

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد سرور رنا

۱۱/۰۳/۰۶

کفر گر از کعبه خیزد کجا ماند مسلمانی

مصاحبه و اظهار نظر چند روز قبل "جناب" محمد رحیم وردک وزیر دفاع افغانستان حافظ امنیت، مدافع منافع ملی، تمامیت ارضی و استقلال کشور با بی بی سی دستگاه نشراتی انگلیس در مورد ساختار پایگاه نظامی ایالات متحده در افغانستان که بجواب مبصر آن فرمودند. (من طرفدار موجودیت قوای خارجی و ساختن پایگاه نظامی در وطنم میباشم) غیر قابل باور و چنان تکان دهنده بود که هر کلمه آن مانند ضربه چکش بر سر وطندوستان واقعی می نشست.

یقین دارم "جناب" شان از جریان تاریخ سه هزار ساله افغانستان که اولاً به نام آریانا، بعداً خراسان نامیده می شد و اینک در جهان کنونی و در میان اجتماع بشری به نام افغانستان زندگی میکند اطلاع دارند که هیچگاه اسارت و بندگی را نپذیرفته و در برابر مهاجمان و گردن کشان و قدرت مندان جهان، اگر هخامنشیان، ساسانیها، اعراب، چنگیز یا اسکندر مقدونی، تورکان، صفویان یا انگلیسها و اخیراً روسها بودند چنان به دفاع پرداخته اند که در پایان مبارزه، پوز مهاجمان را از هر قوم و نژادی که بودند به خاک مالیده و بیرون انداخته اند که صفحات تاریخ وطن ما و جهان ازین وقایع و ماجرا داستانها پر میباشند. حتی روزگار تاسف بار کنونی وطن ما نتیجه عقده و کینه های همان مبارزات قدیم افغان ها با قوای اشغالگر انگلیس میباشد که بعد از برقراری تسلط بر هند، به شوق اشغال این کهسار سه بار با سی یا چهل هزار سرباز تعلیم یافته و مجهز با بهترین وسایل جنگی آن زمان به تجاوز بی نتیجه پرداختند. هربار بعد از رویارویی چند روزه با جنگجویانی که در دست چوب، شمشیر یا تفنگهای قدیمی و سنگ داشتند چنان عقب نشینی و فرار اختیار کردند که هزاران مجروح و کشته شان در میدان جنگ باقی ماند.

ازینها هم اگر بگذریم شاید "جناب" وزیر صاحب ملتفت باشند: هیچ کشور متجاوز، کشور دیگر را که بعد از قربانی هزاران اتباع و سربازان جوان خویش و صرف میلیاردها دالر و از دست دادن تجهیزات مدرن حربی شان، تصرف میکنند به منظور آرامی و آبادی و برقراری سعادت مردم و حفظ استقلال کشور اشغالی نه، بلکه به غرض اشغال، به دست آوری دارائی و ثروت و تمام پیداوار آنها و انتقال به کشور شان، احیای مجدد پولهای مصرف کردگی و تهیه تسلیحات از دست رفته از خون مردم همین کشور می باشد. البته افتتاح فاحشه خانه ها و تهیه کنیز

و غلام ازباشندگان کشور اشغالی درمقابل یک لقمه نان و پرداخت پول ارزان به منظورخوشگذرانی و عیاشی عساکر، مأمورین و سایر اتباع کشورشان غیر از تطبیق دیگر پلانشا است .

"جناب" وردک! اولین باری که قوای استعماری انگلستان درهند وارد گردید، توسط چند تاجر به نام کمپنی شرقی به مقصد خدمت به هندوستان و بلند بردن تجارت آنها و آبادی کشورشان صورت گرفت، اما درنتیجه بر آن کشور آزاد، آباد و آرام حدود سه صدوسی سال چنان حکومت کردند که عاطفه را نمیشناختند هر ظلم و استبداد که توانستند بر آن ها روا داشتند، هرچه خواستند انجام دادند، هر آنچه به دست می آوردند به وطن خود انتقال میدادند و از باشندگان و مردم بیچاره آن به حیث اسیر و غلام استفاده میکردند. شاید "جناب" وزیر صاحب بفرمایند بلی هندوستان را به این مقام رسانیدند. اما متوجه نشده اند که این همه سعادت، نتیجه حیات مستقلانه پنجاه سال اخیر آنها بعد از سه صدوسی سال اسارت میباشد. درصورتیکه حاصل سه صدوسی سال حکمرانی انگلیس، آقائی، به خاک و خون کشیدن صدها هزار انسان مظلوم و بی گناه به جرم آزادیخواهی، انتقال شیر و شربت هند و بلباردها پوند استرلنگ به انگلستان بود تا این که بعد از طی این مدت غلامی و اسارت و تأدیه خسارت مردی به نام گاندی، با یاران به پا خاسته آن خون خوران و آدم کشان بی عاطفه را از وطن خود بیرون انداختند

زمامداران ظالم و قسی القلب کشور متمدن و مقتدر انگلستان همینکه متوجه گردیدند که ایران نظر به پاره ای مشکلات تخنیکی یا بعضی ملحوظات دیگر، از آن همه نفت خدا داد عاید لازم حاصل نمیتواند هیأتی را تحت عنوان حسن نیت دلسوز و مهربان به منظورخدمت به ایران به حضور "اعلیحضرت شاهنشاه" خوش باور و ساده دل آن فرستاده به مذاکره پرداختند که بعد از تبادل نظر و مذاکرات برادرانه، دلسوزانه و انسان منشانه، قراردادی را به نام گیس و گلشانیان امضاء و چنان به فعالیت آغاز کردند که درکمترین مدت با تقدیم چند پوند انگلیسی به این و آن نه تنها تمام صلاحیت و اختیارات استخراج نفت درایران را به دست گرفتند، بلکه در سیاست داخلی و خارجی آن کشور بیچاره و بدبخت به دست درازی پرداخته که حکام، والیان و وزیران را هم مقرر و عزل میتوانستند.

شاهان آمدند و رفتند اما حاکمیت (ب، پ، بریتش پترول) تا زمان صدارت داکتر مصدق پا برجا و استوار ماند و تمام عواید ازین مدرک درحالیکه مردم ایران نان خشک نیافته روزانه صدها زن و مرد و طفل از اثر فقر و مریضی در دشت و بیابانها جان میدادند به واشنگتن و انگلستان انتقال می یافت.

تا وقتی که شاهان ایران درباره استخراج و قیمت و مقدار استخراج نفت و گاز و اینکه کجا می رود سخنی برزبان نیاورده و چیزی نگفتند گل سرسبد انگلستان و ایالات متحده امریکا و سایرکشورهای اروپا بود، همینکه محمد رضا پهلوی "شاهنشاه" اخیر آنکشور گفت (نفت مال ملت بوده درقیمتها تجدید نظرشود) پیش نظر تمام مردمان جهان دیدیم چگونه از اریکه سلطنت که از پدر میراث گرفته بود کنار رفته و به جایش مردی به نام خمینی که آنرا خواب هم نمی دید نشست و همان گل سر سبد قدرتمندان، دل نگران، با هزار آرمان و خاطرپریشان خصوصاً با مریضی سرطان دست و گریبان ازوطن آبائی با کمک همین انگلستان بیرون رانده شد. عجبترا اینکه از رهبر هر کشوری که اجازه اقامت میخواست، جواب رد می یافت حتی ازکشور حامی و پشتیبانش انگلستان. اگر فرضاً دو یا سه روز را در وطن یکی از دوستان (سران کشورها) سپری میساخت پولیس آن برایش رسماً اطلاع میداد او را حفاظت نمیتواند باید از آنجا خارج و در کشور دیگر تشریف فرما شود. پولیس بعضی کشور ها به هواپیمای شخصی وی اجازه فرود آمدن نمیداد. بعد از ینهمه مسافرت و سرگردانی های دلخراش در چندین کشور دوستان و احساس نا امیدی های فراوان و اظهارعجز و بیچارگی ها، آقای انورالسادات رئیس جمهور مصر با اظهار تأثر فراوان یکی ازقصور سلطنتی را در اختیارش گذاشته و از وی خواست در آن مانند قصر شخصی اقامت گزیند. از آنجائیکه مرض

سرطان گلوی او را در چنگال گرفته و جریانات غم انگیز بر سرعت فعالیت آن می افزود، در کمترین مدت دل پراز عقده و نثار هزاران نفرین به شیطان بزرگ جهان و انگلستان دیده از جهان بسته و به حق پیوست .

از آن روزیکه صدام حسین رهبر سابق کشور عراق را همین زمام داران انگلیس و ایالات متحده امریکا روی ضرورتی که داشتند یعنی علیه ایران میخواستند رقیب مقتدر رویکار آورند با کمک نظامی شان تا یک اندازه شخصیت با قدرت منطقه ساختند. صدام نیز یکی از آن فرمان بردارانی شد که به اساس گردش چشمان حامیانش حرکت میکرد و آنچه دستور می یافت طبق آن اجراء مینمود و به اساس همین سیاست در حالیکه کوچه و بازار عراق پر از گدا و دست تگدی ملیونها گرسنه و بیچارگان به سوی مردم دراز بود ، اختیار استخراج، تصفیه و فروش نفت در دست متخصصین و مهندسین و فرمانروایان انگلیس و امریکا قرار داشت. همینکه صدام گفت نفت مال ملت است در آن باره باید مطابق آرزوی مردم عراق رفتار شود مخالفت و ناسازگاری آغاز و کار همین حامیان قدرتمند و جلادان خون ریز به جایی رسید که نه تنها به تدریج از او رو گشتانده و به سقوط حکومتش میپرداختند بلکه در پیش چشمان تمام مردم جهان همین دوست و همکار و فرمانبر صمیمی خود را با یک اشاره به دست سایر خدمتگاران عراقی شان بدار آویخته و به زمام داران ترسو و بزدل و وطن فروش سایر کشورها اخطار خبردار دادند که "جناب" وردک نیز یکی از همان ترسندوک ها میباشند!

واقعات تأثر بار اخیر مصر را همه دیدیم. "جناب" حسنی مبارک زمام داری که با کمک همین سران انگلیس و ایالات متحده امریکا و سرشوردن کشورهای اروپائی به زمام داری رسیده و بیش از سی سال تحت حکم و هدایت با داران با در نظر داشت منافع اسرائیل ولو گاهی به ضرر اسلام بوده به فرمانبرداری و خدمت پرداخته و در طول حیات سیاسی و زمامداری خود مطابق آواز دهل ارباب بدون کوچکترین تبصره و اظهار نظر و یا در نظر داشتن منافع یا ضرر اسلام یا کشورهای همسایه و مسلمانان جهان اتن انداخته و به خدمت گذاری پرداخته و تا آخرین مرحله زمام داری از اوامر و دستور سرپیچی نکرده است، اما این بسی تأثر بار بود. با آنهمه جان فشانی در همان مواقع اخیر زمام داری که سقوط تدریجی خود را به چشم سردیده و کمک بی دریغ حامیان را انتظار داشت، سران کشورهای ایالات متحده امریکا و انگلستان تا وقتی که سقوط این زمامدار فرمایشی و فرمانبر خودها را باور نمیکردند با لجابت از او حمایت کرده و به مردم مصر توصیه حوصله مندی و آرامی میکردند. اما همینکه متوجه گردیدند که این جلالتماب مورد نفرت مردم بوده و توصیه بی فایده میباشد، فوری تغییر تون و لهجه داده به وی پیشنهاد میکردند بیشتر موجب خونریزی نگردیده بهتر است استعفا کند. یقیناً آن بیچاره از استماع این توصیه شاید به خود نفرین گفته باشد که چرا به مردم کشور خود اتکاء و از نظر آنها حمایت نکرده و متکی به بیگانه شده ؟ اما میدانست که بی وقت متوجه حقیقت شد.

ازینگونه وقایع درین صد سال اخیر در جهان ما بسی به وقوع پیوسته و قدرتمندان، جنایات بیشمار انجام داده که در نزد جهان بشریت امر عادی شده و این را هم که آب زور سربالا میرود، همه میدانند .

میدانیم "جناب" وزیر دفاع افغانستان چرا تاریخ پر از ماجرای مبارزات دفاعی سه هزار ساله وطن و روحیه وطن دوستی آزادیخواهی و دفاعی مردم سلحشور کشور خود را زیر پا گذاشته و چنان اظهار نظر شرم آور فرموده اند؟؟؟ برای اینکه خدا نخواست کرسی وزارت، ماه چهل هزار دالر معاش، زندگی مرفه، مستی فامیل و فرزندان در خارج، موترها و رانندگان، بادی گاردها و مسافرتها را بیگانگان در هر گوشه و کنار جهان و ذخیره فراوان در بانک ها از دست نرود.

بسیار تعجب آور و برای من غیر قابل باور است اگر "جناب" وردک صاحب درین دنیائی که ملل متحد و "یونو" بر اساس اشاره ویا دستور قدرتمندان، صد ها کشور کوچک را به نام مستعمره، ماندت و کلونی و دومینیون یا اسم دیگری که میتراشیدند به انگلستان، فرانسه، هالند و پرتگال و غیره به منظور کمکهای اقتصادی، زراعتی یا تربیتی تحویل میدادند یا خود زورمندان به قدرت خود تصرف میکردند یکی را طور مثال نشان بدهد که بعد از سالها محکومیت، اسارت، وکشته شدن هزاران باشند و ازدست دادن تمام ثروت وپیداوار زراعتی و تحت الارضی شان همین که استقلال حاصل کرده اند، مردم آنها به سویه ای بهتر از گذشته رسیده و یا زندگی عادی روزانه را بدون کمکها و با حصول قرضه خود شان پیشبرده باشند.

بعد از سالها مبارزه و جهاد در راه حصول استقلال، به چشم می بینیم روح شاه شجاع و امیرمحمد یعقوب خان و سایرهمکارانشان به زمین آمده ودر کالبد کرزی، وزیران و سایر همکارانش دمیده ودرکشور آزاده افغانستان، همان روزگار عصر و زمان اسارت و غلامی و وطن فروشی دوباره احیاء میگردد. خداکند ارواح غازی محمد جان خان، سردار محمد ایوب خان، امین الله خان لوگری، سردار محمد اکبرخان و سایر دوستان و همکاران شان هم به زمین آمده ودر قالب انسانهای وطن دوست دمیده باشد.

"محترم" وزیرصاحب دفاع!

باور بفرمائید از همان لحظه ایکه این آواز تکان دهنده شما در رسانه های خبری انتشار یافته است نه تنها از مقابر کهنه و خرابه های کابل کهن بلکه از بلخ و کاپیسا، غزنه و ننگهار، سغد و پکتیانا آواز اتن اسکلیت های شهداء و قربانیان را ه آزادی با این شعر مرحوم علامه طرزی

(شهیدان ظلم فرنگیم ما به خون وطن لا له دنگیم ما)

و این پیام (وطن آباد، آزاد دارای یک پرچم بشما سپردیم بازماندگان از شما همان را میخواهند) استماع میگردد. آیا شما همان اظهار نظر تان را جواب میدانید؟ با سلام و احترامات .